

رهبر اپوزیسیون دولت صهیونیستی مدعی شد قلمرو اسرائیل می تواند تا عراق گسترش یابد

دستور کار: از نیل تا فرات

صفحه ۷

پنجشنبه ۷ اسفند ۱۴۰۴ | ۱۶ رضان ۱۴۲۷ | ۲۶ فوریه ۲۰۲۴ | سال هجدهم | شماره ۴۵۴۶ | ۸ صفحه | ۱۰ هزار تومان

تیتیر های امر وز



رسانه های آمریکایی و غربی درباره تبعات نظامی و اقتصادی حمله احتمالی به ایران چه می گویند

آمریکا بر لبه باتلاق

صفحه ۲

تحلیل آثار اقتصادی افزایش دستمزدها بر تورم و اشتغال

دستمزد صرف راهگشا نیست

صفحه ۳

آشوبگران حوادث دی ماه که به مقر پلیس و پایگاه بسیج در تهران حمله کرده بودند دستگیر شدند

زندان منتظر اوباش

صفحه ۴



اندازه از شما تابوت از ما

دولت دزدسالاران



نگاه مهدی حسینی

هر تحلیلی در یک سال گذشته از آغاز به کار دولت دوم ترامپ در آمریکا، به قدر وسع نظری خود کوشیده است جامعه ای متورک برای دولت او بوزد. آخرین تلاش های تئوریک برای توضیح دولت او در نشریه فارن افرز به صورت بندی «کلیتو کراسی» یا «زدسالاری» منتهی شده است. فارن افرز توضیح می دهد هر عنوانی که تاکنون برای توصیف دولت ترامپ بیان شده، چندان دقیق نیست، الا دزدسالاری: «ماهیت سیاست خارجی دونالد ترامپ؛ نه واقع گرایی است و نه صرفا رویکردی معامله گرایی، بلکه یک دزدسالاری تمام عیار است که در آن منافع ملی قربانی می شود. دولت او با تحریب عدلانه دیوان سالاری دیپلماتیک و قوانین ضدفساد، توافقات کلان بین المللی را به ابزاری مهم برای ثروت اندوزی شخصی، تثبیت قدرت وفاداران و پیوند با افراط گرایی راست گرا تبدیل کرده و بقای دموکراسی را در داخل و خارج از آمریکا به خطر انداخته است. تحلیلگران مدت هاست در توصیف ماهیت سیاست خارجی دونالد ترامپ با چالش مواجهند و بسیاری او را به اشتباه به مکتب واقع گرایی (بیگیری منافع ملی در چارچوب قدرت) منتسب کرده اند اما تمام این ارزیابی ها دارای یک خطای مفهومی بنیادین هستند: پیش فرض آنها این است که هدف دولت ترامپ، پیشبرد منافع حیاتی و ملی ایالات متحده است.» متن به صراحت تأیید می کند دولت ترامپ نتهنپانگهی به منافع ملی کشور خود ندارد، بلکه اصول بیگیری نفع شخصی ترامپ و خانواده اش در اولویت قرار دارد. «در آمریکا بدیهی فرض می شود که رهبران، سیاست ها را برای خدمت به منافع عمومی طراحی می کنند نه برای ثروت اندوزی شخصی، به همین دلیل تحلیلگران انتظار دارند «واشنگتن» سیاست های فراتر از جناح بندی ها اتخاذ کند اما دولت ترامپ این پیش فرض را ناپود کرده و سیاست خارجی را عمدتاً به ابزاری برای افزایش ثروت شخصی و تأمین منافع حلقه کوچکی از دوستان و وفادارانش تبدیل کرده است. اکنون سیاست خارجی تابع منافع شخصی اوست و حتی اگر گاهی با منافع عمومی همسو شود، وی در بیشتر مواقع از نام «منافع ملی» برای سرپوش گذاشتن بر منفعت طلبی های شخصی استفاده می کند. این زبوندها حواشی نیست، بلکه ماهیت دولت او اساساً «زدسالارانه» است. نویسندگان بر آن است که در دولت ترامپ، قدرت سیاسی کسب می شود تا بر ثروت شخصی افزوده شود و در دولت او، فساد خود هدف است: «رویکرد ترامپ فراتر از این است: رویکرد او کاملاً «زدسالارانه» است که در آن فساد خود هدف» است.

ادامه در صفحه ۲

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

وطن امروز

مصاحبه با استاد اصغر طاهرزاده درباره کتاب «روزه در یچه ای به عالم معنا»

پذیرایی مقدس خداوند

صفحه ۸

VATAN-E-EMROOZ | VOL.18 | NO.4546 | THU.FEB.26.2026 | ISSN:2008-2886

۱۹۹۱ سال و ۱۷۸ روز گذشت



سخنرانی سالانه ترامپ در کنگره به صحنه فحاشی دروغگویی و انحطاط سیاسی تبدیل شد

حاکمیت ابتدال

صفحه ۷

ایران دلایل تردیدهای پنتاگون را می داند

است ترامپ درباره حمله به ایران، نگران تکرار تجربه جنگ عراق باشد. ژنرال های آمریکایی که باید مقامات CIA را هم به آنها اضافه کرد، می دانند جنگ احتمالی با ایران، بسیار بزرگ تر و خطرناک تر از جنگ آمریکا علیه عراق است. جمهوری اسلامی ایران از جهت مختلف قابل مقایسه با عراق در زمان حمله آمریکا به این کشور نیست. هم به لحاظ وسعت جغرافیایی، هم از نظر قدرت دفاعی و هم از جهت توان بازدارندگی و مهم تر از همه، از نظر جایگاه و سرمایه اجتماعی داخلی، جمهوری اسلامی ایران اصلاً قابل مقایسه با عراق آن زمان نیست. برخی معتقدند آمریکا این بار برخلاف حمله به عراق، دنبال اشغال نظامی ایران نیست و همین موضوع حمله به ایران را از جنگ آمریکا علیه عراق متمایز می کند. اگر چه این نکته ای درست است اما اتفاقاً این موضوع، یکی از نقاط ضعف آمریکاست. آمریکا با یک ظرفیت نظامی به مراتب کمتر از ظرفیت نظامی زمان حمله به عراق، در آستانه حمله نظامی به ایران است که به مراتب قدرتمندتر از عراق آن زمان است. احتمالاً همین موضوع بستر و زمینه نگرانی ها و تردیدهای ژنرال های جنگ دیده آمریکایی درباره جنگ احتمالی با ایران است. جنگ آمریکا علیه ایران، به مراتب بزرگ تر و خطرناک تر از جنگ با عراق است. جنگ احتمالی ایران با آمریکا، کاملاً جدی و معتبر است. ایران یکی از اهداف گسترده و متنوع در اختیار دارد و برای جنگ ندارد و ثاباً ظرفیت نظامی لازم برای این جنگ را در منطقه جمع کرده است. درباره نکته اول، اکنون انتقادات زیادی در واشنگتن مطرح است که ضرورت راه اندازی چنین جنگی چیست؟ مقامات سیاسی آمریکا می گویند در حال حاضر، برنامه هسته ای ایران نتهنپا یک خطر جدی برای امنیت ملی آمریکا نیست، بلکه اساساً یک ضرورت امنیت ملی و سیاست خارجی آمریکا هم نیست. ضمن اینکه پس از جنگ ۱۲ روزه حمله آمریکا به تاسیسات هسته ای ایران در حل مساله برنامه هسته ای ایران در استراتژی امنیت ملی آمریکا تا حدود زیادی برطرف شده است. برخی کارشناسان در آمریکا طی روزهای اخیر این سوال را از ترامپ پرسیدند که چرا حاضر، برنامه هسته ای ایران چه تغییری در برنامه هسته ای ایران و خطر آن برای امنیت ملی آمریکا ایجاد شده که اکنون دولت آمریکا در آستانه شروع یک جنگ با ایران است؟ بنابراین ترامپ در حالی دارد بزرگ ترین جنگ چند دهه اخیر آمریکا را به راه می اندازد که اساساً بر اساس منافع ملی آمریکا ضرورتی برای این جنگ وجود ندارد. از سوی دیگر، به اعتقاد کارشناسان، اگر چه ارتش آمریکا طی یک ماه اخیر حجم زیادی از تجهیزات و تاسیسات نظامی را به منطقه غرب آسیا منتقل کرده اما با توجه به مختصات جنگ احتمالی با ایران، این ظرفیت نظامی، جویگویی جنگ گسترده و طولانی مدت با ایران نیست.

ادامه در صفحه ۲

حمله نظامی به ایران، تلاش کند آخرین شانس های خود برای تسلیم ایران را امتحان کند ولی بدیهی است این تاکتیک احتمالی او راه به جایی نخواهد برد. بنابراین اعلام شکست مذاکرات، به معنی در دستور کار قرار گرفتن گزینه نظامی علیه ایران توسط آمریکاست. در این بین چند نکته اساسی وجود دارد که بدون موثر خواهد بود. ۱- اعتراف ویتکاف درباره کلافگی ترامپ از عدم تسلیم ایران نشان می دهد راهبرد اصلی ترامپ، تسلیم ایران است. این اعتراف ویتکاف ثابت می کند ترامپ بنا به دلایل مختلف، گزینه نظامی را در اولویت قرار نداده بود. به عبارتی، اگر فرض را بر صحت اعتراف ویتکاف بگذاریم، آنگاه اعلام شکست مذاکرات، به معنی در دستور کار قرار گرفتن گزینه ای است که راهبرد اصلی ترامپ در قبال ایران نبوده است. اینکه چرا گزینه نظامی اولویت ترامپ نبوده و نیست، حاوی پیام ها و نکاتی مهم است که قاعدتاً مصادیق آن در معرکه جنگ نمودار خواهد شد. ایران نسبت به این موضوع کاملاً مطلع و هوشیار است. ۲- افشاکاری رسانه های آمریکایی درباره نگرانی های ژنرال جان دنیل کین، معروف به رازن، رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح آمریکا نسبت به عواقب و تبعات هر نوع اقدام جدی نظامی آمریکا علیه ایران، یک گزاره مهم درباره چشم انداز درگیری نظامی احتمالی آمریکا علیه ایران است. بر اساس گزارشاتی که رسانه های ماندوال استریت ژورنال، نیویورک تایمز و حتی اسکسپوس - رسانه نزدیک به لابی صهیونیستی در آمریکا - منتشر کرده اند، ژنرال رازن طی جلساتی که هفته گذشته با ترامپ و سایر مقامات سیاسی و نظامی آمریکا داشته، نگرانی های جدی خود درباره تبعات و خسارات جنگ با ایران را مطرح کرده است. آنگونه که این رسانه ها نوشته اند، نگرانی اصلی رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح آمریکا، طولانی شدن جنگ آمریکا علیه ایران است. ژنرال کین معتقد است هر نوع درگیری جدی آمریکا با ایران، منجر به وقوع یک جنگ گسترده و طولانی مدت خواهد شد و در این حالت، ظرفیت نظامی آمریکا در منطقه مطلقاً جویگویی این جنگ گسترده طولانی نخواهد بود. ژنرال رازن درباره میزان آسیب پذیری ارتش آمریکا، آمریکا، آمریکا که متحدان آمریکا در منطقه متحمل می شوند و خسارات احتمالی ای که رژیم صهیونیستی خواهد دید ابراز نگرانی کرده است. رازن همچنین به این نکته اشاره کرده است که هیچ کدام از متحدان آمریکا (غیر از رژیم) در جنگ احتمالی با ایران، در کنار آمریکا حضور ندارند و این موضوع با توجه به ظرفیت نظامی آمریکا در منطقه، بسیار نگران کننده است. رسانه های آمریکایی به این نکته مهم نیز اشاره کرده اند که غیر از ژنرال رازن، برخی دیگر از مقامات پنتاگون نیز با او هم عقیده هستند و نسبت به تبعات و خسارات وقوع یک درگیری نظامی گسترده و طولانی با ایران نگرانند. نگرانی ژنرال های جنگ دیده

حمله نظامی به ایران، تلاش کند آخرین شانس های خود برای تسلیم ایران را امتحان کند ولی بدیهی است این تاکتیک احتمالی او راه به جایی نخواهد برد. بنابراین اعلام شکست مذاکرات، به معنی در دستور کار قرار گرفتن گزینه نظامی علیه ایران توسط آمریکاست. در این بین چند نکته اساسی وجود دارد که بدون موثر خواهد بود. ۱- اعتراف ویتکاف درباره کلافگی ترامپ از عدم تسلیم ایران نشان می دهد راهبرد اصلی ترامپ، تسلیم ایران است. این اعتراف ویتکاف ثابت می کند ترامپ بنا به دلایل مختلف، گزینه نظامی را در اولویت قرار نداده بود. به عبارتی، اگر فرض را بر صحت اعتراف ویتکاف بگذاریم، آنگاه اعلام شکست مذاکرات، به معنی در دستور کار قرار گرفتن گزینه ای است که راهبرد اصلی ترامپ در قبال ایران نبوده است. اینکه چرا گزینه نظامی اولویت ترامپ نبوده و نیست، حاوی پیام ها و نکاتی مهم است که قاعدتاً مصادیق آن در معرکه جنگ نمودار خواهد شد. ایران نسبت به این موضوع کاملاً مطلع و هوشیار است. ۲- افشاکاری رسانه های آمریکایی درباره نگرانی های ژنرال جان دنیل کین، معروف به رازن، رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح آمریکا نسبت به عواقب و تبعات هر نوع اقدام جدی نظامی آمریکا علیه ایران، یک گزاره مهم درباره چشم انداز درگیری نظامی احتمالی آمریکا علیه ایران است. بر اساس گزارشاتی که رسانه های ماندوال استریت ژورنال، نیویورک تایمز و حتی اسکسپوس - رسانه نزدیک به لابی صهیونیستی در آمریکا - منتشر کرده اند، ژنرال رازن طی جلساتی که هفته گذشته با ترامپ و سایر مقامات سیاسی و نظامی آمریکا داشته، نگرانی های جدی خود درباره تبعات و خسارات جنگ با ایران را مطرح کرده است. آنگونه که این رسانه ها نوشته اند، نگرانی اصلی رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح آمریکا، طولانی شدن جنگ آمریکا علیه ایران است. ژنرال کین معتقد است هر نوع درگیری جدی آمریکا با ایران، منجر به وقوع یک جنگ گسترده و طولانی مدت خواهد شد و در این حالت، ظرفیت نظامی آمریکا در منطقه مطلقاً جویگویی این جنگ گسترده طولانی نخواهد بود. ژنرال رازن درباره میزان آسیب پذیری ارتش آمریکا، آمریکا، آمریکا که متحدان آمریکا در منطقه متحمل می شوند و خسارات احتمالی ای که رژیم صهیونیستی خواهد دید ابراز نگرانی کرده است. رازن همچنین به این نکته اشاره کرده است که هیچ کدام از متحدان آمریکا (غیر از رژیم) در جنگ احتمالی با ایران، در کنار آمریکا حضور ندارند و این موضوع با توجه به ظرفیت نظامی آمریکا در منطقه، بسیار نگران کننده است. رسانه های آمریکایی به این نکته مهم نیز اشاره کرده اند که غیر از ژنرال رازن، برخی دیگر از مقامات پنتاگون نیز با او هم عقیده هستند و نسبت به تبعات و خسارات وقوع یک درگیری نظامی گسترده و طولانی با ایران نگرانند. نگرانی ژنرال های جنگ دیده

هسته ای است و هم تضمین می کند در دوره اجرای توافق، فعالیت های غنی سازی ایران در مجاری قانونی و مورد تأیید آژانس بین المللی انرژی اتمی انجام می شود. ترامپ و دیگر مقامات دولت او مدعی اند مطالعه اصلی آنها، عدم ساخت سلاح هسته ای توسط ایران است. بسته پیشنهادی ایران، به وضوح صلح آمیز بودن برنامه هسته ای ایران را نشان می دهد و مهم تر، آن را تضمین می کند. بنابراین اگر طرف آمریکایی حقیقتاً به دنبال توافقی است که مستلزم عدم ساخت سلاح هسته ای توسط ایران باشد، قاعدتاً باید از پیشنهادات ایران استقبال و انتظارات تهران در قبال اجرای این امتیازات اقتصادی محقق کند. بنابراین در حوزه مذاکرات و توافق، همه چیز روشن است. اکنون زمانی است که صداقت طرف آمریکایی نسبت به اولویت داشتن دیپلماسی نسبت به گزینه نظامی، در معرض آزمون قرار می گیرد. اگر آمریکا از بسته پیشنهادی ایران استقبال کند، آنگاه ترامپ می تواند مدعی شود ادعای او مبنی بر ارجحیت دادن دیپلماسی و توافق بر گزینه نظامی و جنگ درست بوده است اما اگر دولت آمریکا پیشنهادات ایران را نپذیرد، فارغ از هر بهانه ای که برای رد این پیشنهادات ارائه می کند، ثابت می شود ترامپ یا از ابتدا مذاکره را صرفاً برای خرید زمان برای تکمیل آرایش نظامی آمریکا علیه ایران مد نظر قرار داده بود، یا هدفش از مذاکره، تسلیم کامل ایران مقابل خواسته های نامعقول و غیرقانونی بوده است. ■ پیچنگ تاپچنگیم

امیرعباس نوری: امروز دور سوم مذاکرات هسته ای ایران و آمریکا بر گزار می شود. این مهم ترین مرحله دور جدید مذاکرات ایران و آمریکا در دولت دوم ترامپ است. بر اساس مواضع دولت آمریکا همچنین شواهد و قراین موجود، این مذاکرات نقشی کلیدی و تعیین کننده بر تصمیم نهایی ترامپ در قبال ایران دارد. در این دور از مذاکرات قرار است ایران بسته پیشنهادی خود را برای یک توافق قابل قبول به طرف آمریکایی ارائه دهد. برخی نیز از طرح رافائل گروسی، مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی برای توافق خبر می دهند طریحی که ظاهراً در حوزه تعهدات هسته ای ایران، سطحی از غنی سازی برای تأمین نیازهای ضروری ایران در آن گنجانده شده. اگر جزئیاتی از سطح از غنی سازی را برای ایران مقبول و قانونی می داند. البته این تنها یک سوی ماجراست. با توجه به اخبار رسمی و غیررسمی، همان گونه که گفته شد ایران با انعطاف هایی که درباره برنامه هسته ای خود نشان داده، اراده و صداقت خود را برای حصول توافق برای حصول توافقی طرفین فراهم می کند. در واقع در ظاهر پیداست گروسی به عنوان مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی نیز با توجه به واقعیات برنامه هسته ای ایران و همین طور قوانین و مقررات آژانس، این سطح از غنی سازی را برای ایران مقبول و قانونی می داند. البته این تنها یک سوی ماجراست. با توجه به اخبار رسمی و غیررسمی، همان گونه که گفته شد ایران با انعطاف هایی که درباره برنامه هسته ای خود نشان داده، اراده و صداقت خود را برای حصول توافق نمایان کرده اما این همه شرایط لازم برای حصول توافق نیست. در ازای این انعطاف های ایران، طرف آمریکایی باید تعهدات خود را در زمینه لغو تحریم ها و امتیازات اقتصادی به ایران نشان دهد. این موضوع، یعنی امتیازاتی که دولت آمریکا در ازای تعهدات هسته ای ایران بایدارائه دهد، آزمون مهمی درباره میزان جدیت و صداقت ترامپ نسبت به مذاکره و توافق احتمالی است. اگر ترامپ آنگونه که ادعا می کند، توافق را بر جنگ بنا براین با توجه به شواهد و قراین می تواند گفت همه از ازای انعطاف های هسته ای ایران باید انجام دهد. بنابراین با توجه به شواهد و قراین می توان گفت همه چیز برای یک توافق هسته ای میان ایران و آمریکا فراهم است. ایران حسن نیت و صداقت خود را برای حصول توافقی نشان داده است. بسته پیشنهادی ایران به وضوح نشان می دهد تهران برای جلوگیری از جنگ، صادق است. نمایندگان ایران در مذاکرات هسته ای با ارائه این بسته پیشنهادی، اصطلاحاً توپ را در زمین طرف آمریکایی می اندازند. اینجاست که طرف آمریکایی در شرایط آزمون صداقت نسبت به حصول توافق هسته ای قرار می گیرد. همان گونه که گفته شد پیشنهادات ایران حتی مورد تأیید مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی است. بنابراین آنچه ایران برای حصول توافق با آمریکا پذیرفته، کاملاً معقول است؛ هم نشان دهنده عدم تمایل ایران به ساخت سلاح